خبرساز

آتش سوزی،آرایشگاه،بیمه!

می گفت: رفتم آرایشگاه که موهایم را اصلاح کنم ولی آرایشگری که هر ماه موهایم را اصلاح می کردم آن روز آنجا نبود.پرسیدم کجا رفته است؟همکار آرایشگرش گفت:الان چند روزی است که نمی آید.یعنی از وقتی که خانه اش در آتش سوخت و دار و ندارش را از دست داد دیگر به آرایشگاه نمی آید.گفتم مگر بیمه نبود؟گفت:نه. تمام سرمایه اش که حدود بیست میلیون تومان بود بخاطر اتصالی برق خاکستر شد و الان هم که هیچ پس اندازی ندارد و درمانده است.به او گفتم اگر آینده نگری کرده بود و خود را بیمه کرده بود حالا سرگردان و آواره نبود.مثلا اگر ماهیانه فقط حدود ۱۵۰۰ تومان به حساب بیمه می ریخت یا در سال هجده هزار تومان را بصورت یکجا به حساب بیمه سینا می ریخت؛این بیمه در زمان آتش سوزی تا ۳۰ میلیون تومان خسارت را پرداخت می کرد.وقتی تعمق می کنیم؛واقعا در استان هرمزگان فرهنگ بیمه از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست و مردم از مزایای بیمه اطلاعی ندارند. اگر مردم با بیمه های "اختیاری" آشنا بودند دیگر نیاز چندانی به پس انداز کردن برای درمان حوادث احتمالی وجود نداشت. در حال حاضر هم که بخاطر فرسوده بودن سیم های برق ،شرجی وگرما و استفاده از کپسول های گاز در استان هر روز شاهد بروز چندین آتش سوزی هستیم؛بهتر است بیمه آتش سوزی برای ما به عنوان یکی از اولویت ها باشد تا در زمان بروز هر گونه حریقی اگر هم که خودروی آتش نشانی نتوانست به بهانه ترافیک یا تمام شدن آب مخزنش ،آتش را خاموش را کند و تمام سرمایه مان در آتش سوخت؛حداقل بیمه آتش سوزی خسارات حریق را جبران کند و در آن زمان دست بر سر نزنیم که ای کاش زودتر خودم را بیمه می کردیم تا حالا اینگونه بیچاره و درمانده نشویم. البته مسئولان بیمه هم کمتر در مورد فواید بیمه کردن اطلاع رسانی می کنند و مردم تصور می کنند که بیمه شامل بیمه های اجباری خودرو و تامین اجتماعی است؛در حالیکه ده ها بیمه اختیاری هم وجود دارد که در صورت بیمه کردن، آسودگی خاطر شهروندان را به همراه دارد.در حال حاضر چندین بیمه دولتی و خصوصی وجود دارد ولی مردم فقط گاهی اسمی از آنها را می شنوند ولی کمتر از نوع و شرایط بیمه هایشان اطلاع دارند. آیا روزی بیمه، جزئی از زندگی ما می شود؟

■ علی زارعی

دوربین در شهر

قصه تکراری متکدیان شهر!

صیادان آینده و تلاش برای رزق و روزی!

در آرزوی رویاهای آبی سوار بر امواج امید !

عکس:علیرضا بهاری

فراز

چرا فقط سعدی - حافظ - مولوی و ...

در دکه روزنامه فروشی داشتم به تیترهای روزنامه های شهرمان نگاه می کردم چه برای من مقبول ترین روزنامه یا هفته نامه آن است که در صفحه اول حداقل ۲۰ درصد از مطالب درج شده در صفحه هاتش تیتر اولش در صفحه اول باشد.

این تیتر هاست که خواننده را جذب و جلب می کند ولو آنکه محتوای مطلب از نظر کمی و کیفی آنچنان که باید و شاید نباشد.جوانی بیست و چند ساله، مودب که چند روزنامه خریده و در دست داشت به من سلامی داد و گفت :

خوشحالم شما را زیارت می کنم،من و کلیه همکلاسانم همه روزه در انتظار نوشته های شما هستیم اما نمی دانم چرا به هفته ای یک روز آن هم در صفحات بالای هشت چاپ می شود ؟

از لطف و تواضع اخلاقش تشکر کردم و عرض کردم دوست من اولاً روزنامه در قبول من نیست و این بستگی به میل جناب مدیر مسئول و سر دبیر محترم دارد. در ثانی با مشغله فراوانی که خود من دارم و از طرفی که بودن سوژه و عدم ارسال داستان ها وسر گذشت های خوانندگان که دستمایه نوشتن است متاسفانه بسیار کم و می خواهم بگویم به ندرت است وشاید هم نه اما هراز گاهی شبها تلفن هایی دارم که خانواده ها مشکلات خودشان را با من در میان می گذارند که من آنها را قلمی کرده و برای چاپ به روزنامه می دهم،پس از روزنامه گله مند نباشید اما از لطف شما در مورد نوشته هایم و دیگر دانشجویان دانشکده ارتباطات صمیمانه سپاسگزارم که نوشته هایم را قابل خواندن می دانید و حالا نوبت جواب جنابعالی است که چرا حافظ و سعدی و ... دوست من می دانید در طول دوازده قرن گذشته هزاران شاعر و نویسنده پارسی گوی در سرزمین ، گام به جهان هستی نهاده اند و پس از عمری کوشش و پژوهش در گستره ی ادبیات، ایران و جهان را بدرود گفته اند وقتی دیوان اشعارشان را مرور می کنیم می بینیم بسیاری از آنان کم و بیش شعرهای خوبی سروده اند که در ظاهر تفاوت چندانی با هم ندارند .

پس چگونه است که بین این سرایندگان نام تعداد انگشت شماری چون حافظ و سعدی و فردوسی و مولوی و... صدر نشین است وسروده هایشان زبانزد همگان است ولی دیگران از همین بخت و آوازه برخوردار نشده اند؟

استاد فقید زنده یاد ملک الشعرا بهار بیتی با این مفهوم دارد که "چه بسیار شاعران بزرگ در خاک خفته اند که در تمام عمر خود هرگز شعری نسروده اند" .

منظور از این گفته آنکه شاعر بایدطبیعی لطیف،ذوق زیبا و شوق لطیفه گوی داشته باشد.چرا که هر نظم را نمی توان شعر خواند و هر سراینده ای را شاعر .

وقتی می گوییم فلانی قلم خوبی دارد منظور آن است که روش و نگارش وی نیکوست و خوب می نویسد .

در این گفته سبک و چگونگی درک حقایق و تعبیر آنهاست و تعبیر یا بیان به تفکر شخص افراد وابسته است.یعنی باید دانست هر چیزی

وقتی می گوییم فلانی قلم خوبی دارد منظور آن است که روش و نگارش وی نیکوست و خوب می نویسد. در این گفته سبك و چگونگی درك حقایق و تعبیر آنهاست و تعبیر یا بیان به تفکر شخص افراد وابسته است

را چگونه می بیند،چه برداشتی از این دیدن دارد و این برداشت را چگونه به دیگران انتقال می دهد ؟

مثلا نگریستن به یک جاده که از میان درختان و مزارع زیبا و کوههای سر بفلک کشیده می گذرد برای همه مردم برداشتی یکسان ندارد،یک نقاش مفتون جمال این طبیعت می شود و علاقمند است آنچه را می بینید بر یک تابلو جاودانه سازد.یک کشاورز با تجربه به کیفیت خاک مزرعه و نوع گیاهان و درختان توجه دارد .

یک مهندس معمار به این فکر می کند که چگونه می توان در آنجا ساختمان های ویلایی بسیار زیبای بنا کرد.

و یک مهندس معدن در اندیشه آن کوه سر بفلک کشیده است که در دنیای تکنیک امروزی فرهاد وار که به عشق شیرین با تیشه بدون آلوده سازی محیط زیست وایجاد کر کننده صوتی بیستونی را کند.

او نیز تونلی به عمق ۳۳ کیلو در دل کوه بوجود آورد که براحتی آن هم با انفجار مواد محترقه و دینامیت که آلودگی صوتی بوجود آورد،خیر با دریل ایستاده ۳۳ کیلومتری به یک معدن چند صد تنی طلا برسد خوب ملاحظه کردید شعرا هم همین اندیشه و بیان را داشته و دارند .

یکی به روانی و لطیفی طبع خواننده شعر می گوید، یکی برای دل خودش اشعاری می سراید ودرست بسان آن کشاورز که به کیفیت خاک می اندیشد نه چیز دیگر و آن مهندس معمار برای ساخت ویلاهای زیبا و یا آن هنرمند نقاش که جاودانه تابلو بدیع خلق می کند و آن مهندس معدن که بیاد فرهاد افتاده و می خواهد به عشق شیرین تونل ۳۳ کیلومتری را با دریل ایستاده برای رسیدن به طلا بکند طبیعی است که اگر از این چند نفر بخواهیم آنچه را که دیده اند روی کاغذ بیاورند هریک فقط درک های ذهنی خود را خواهند نگاشت و به گفته ای: هر که نقش خویش می بینددر آب و چنین است هر کس سواد خواندن و نوشتن داشته باشد (نویسنده) نیست و هر کاغذ نویسی را هم نمی توان نویسنده خواند.

نویسنده باید معانی ومطالبی را در اندیشه هایش پرورش دهد که برای خواننده سودمند ولذت بخش باشد .

بر این باور نمی توان هر که را کتاب می نویسد "نویسنده" شمرد و اینکه هرزارعی را تا محق بودن نظر می توان زارع واقعی خواند و همچنین یک نقاش که خلق نکند تابلو خود را و یا آن معمار ساختمان ساز که آیا می تواند آنچه بر ذهنش آمد با همان جاه و جلال بر پا سازد و با آن مهندس معدن که فرهاد وار آن هم در قرن بیست و یکم و سی و سه کیلومتر تونل را فرهادوار که البته می دانم دیگر شیرینی در کار نیست جز افسانه او،با دریل ایستاده بکند و از رهگذر آن روزانه صدها تن طلا بدست آورد .

و در خانه به قول لسان الغیب :

بجز شکر دهنی ، نکته هاست خوبی را
به خاتمی ، نتوان دم زد از سلیمانی

پرسه در شهر

زنگ خطر هایی که شنیده نمی شوند!

زهرا بیگلری

هفته ای که گذشت (۱۶ خرداد الی ۲۲ خرداد)هفته محیط زیست بود البته بنرهای زرد رنگ که در مسیر بلوار اصلی شهرمان خود نمایی می کردند،شاید گواه بر این موضوع بود اما فوق العاده کمرنگ ! شاید هم اصلاً کسی متوجه اهمیت سلامت محیط زیست به عنوان بستری برای توسعه همه جانبه نشد، حداقل در این هفته ! با این حال و با وجود اینکه این هفته را همچون دیگر هفته ها پشت سر گذاشتیم ، بهتر دیدیم چند خطی از پرسه در شهرمان را به "محیط زیست مان " اختصاص دهیم .

اصل ۵۰ قانون اساسی :در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می شود.از این رو فعالیت های اقتصادی و غیرآن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند،ممنوع است .

داشتن محیط زیست سالم به عنوان حقی از حقوق شهروندی مطرح است که در نبود آن احقاق حقوق شهروندی حاصل نمی شود.

امروز این مسئله یعنی حفظ محیط زیست تنها از مسئولیت ها و تکالیف دولتمردان ما نیست بلکه شهروندان نیز در این خصوص مسئولیت خطیری بر دوش دارند چرا که تخریب و آلوده ساختن محیط زیست می تواند سلامتی روحی، روانی و جسمی شهروندان را به مخاطره بیاندازد . درنتیجه اینکه شاید بهتر باشد برای دفاع از حقوق زیست محیطی شهروندان، نسبت به بالا بردن سطح آگاهی و دانش زیست محیطی تمام گروه های سنی شهروند اقدام شود هر چند که این آموزش مستلزم صرف هزینه ای شاید بالا باشد اما هزینه ای که جهت درمان تخریب محیط زیست باید پرداخت شود چندین برابرهزینه ی آموزشی آن خواهد بود.

اصل ۵۰ قانون اساسی : در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می شود.از این رو فعالیت های اقتصادی و غیرآن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند،ممنوع است.

با خود می اندیشم براستی چند درصد مردم (اعم از تحصیل کرده و غیرتحصیل کرده)به طور کامل از مضمون اصل ۵۰ قانون اساسی کشورمان آگاهی دارند و حدود و وظایف آن را می دانند؟آیا شهروندان ما با اهداف سازمان حفاظت محیط زیست آشنایی دارند؟ اصلاً جایگاه محیط زیست در کشورما کجاست؟بگذارید به استان و شهر خودمان محدود شویم اینکه ما شهروندان برای حفظ سلامت محیط زیست شهرمان(بندرعباس) و خودمان چه کرده ایم ؟ اینکه برنامه های سازمان برای ترغیب شهروندان جهت حفظ سلامت محیط زیست چه بوده؟ با تمام این حرف ها آنچه مبرهن است اینکه؛وضعیت اسفناک خورها ی سطح شهر که با وجود تکرار و تذکر از سوی نماینده ولی فقیه در استان همچنان لاینحل مانده،ورود فاضلاب های شهری به ساحل علیرغم تاکید فراوان براهمیت جلوگیری از ورود این پساب ها به دریا، ترانزیت کالا،آلودگی های نفتی خلیج فارس و...همه و همه زنگ خطر هایی هستند برای نابودی سلامت محیط زیست مان که متاسفانه شنیده نمی شوند ! !

وجود زباله های عفونی بیمارستان ها و عدم مدیریت جامع و کامل در راستای تفکیك و بازیافت انواع زباله از جمله عواملی هستند که"مجید وفادار" از آنها به عنوان چالش های پیش روی سلامت محیط زیست مان ذکر کرده بود .

"زباله های صنعتی عامل اصلی آلودگی محیط زیست بندرعباس است"مجیدوفادار مدیر کل سازمان حفاظت محیط زیست هرمزگان چندی پیش(۵خرداد ماه در همایش منطقه ای آشنایی با پسماندهای خطرناک)با بیان این مطلب و تاکید بر اینکه؛تولید زباله های صنعتی آسیب بسیارجدی به محیط زیست وارد می کند، از عمده دلایل این مسئله را وجود شهرکها وکارخانه های صنعتی در اطراف شهر بندرعباس عنوان کرده بود.

وجود کارخانه های سیمان،روی، آلومینیوم و پالایشگاه های نفت و گاز، زباله های عفونی بیمارستان ها و عدم مدیریت جامع و کامل در راستای تفکیک و بازیافت انواع زباله از جمله عواملی هستند که"مجید وفادار" از آنها به عنوان چالش های پیش روی سلامت محیط زیست مان ذکر کرده بود .

حال ذهنمان با این سوال درگیر است که؛با وجود آگاهی بر این عوامل چه راهکاری باید اندیشید ؟ اینکه روزانه ۳۰۰ تن مواد زاید و پسماند خشک از پسماندهای خانگی تا بخش های بیمارستانی در شهر بندرعباس تولید می شود،نیازمند چه تدبیری است تا در آینده ای شاید نه چندان دور شاهد زوال حقوق خود مبنی بر داشتن محیط زیستی سالم نباشیم ؟

بی شک این گفته ی مدیر کل سازمان محیط زیست (خبر گزاری مهر- ۱۷ خرداد)که براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی سازمان محیط زیست باید بر روی فعالیت هایی که باعث آلودگی خلیج فارس و دریای عمان می شود،نظارت داشته باشد"می تواند راهکار ی موثر در حفظ محیط زیست مان باشد.

اما مهم چگونگی این نظارت خواهد بود که نیازمند تشریح جزییات این نظارت می باشد.

طی گفت وگویی که با مدیرکل سازمان حفاظت محیط زیست استان داشتیم،وی در خصوص اقداماتی که این سازمان جهت دفع پسماندها ی خطرناک داشته، می گوید:پروژه های مطالعه و بررسی پسمانده های ویژه،تهیه اطلس منابع آلاینده خاک، تهیه اطلس منابع آلاینده حاشیه رودخانه های استان از جمله اقداماتی است که این سازمان در این رابطه انجام داده است .

وی همچنین با اشاره به اینکه ارگان های تولید کننده پسماندهای خطرناک

شامل نیروگاه ها،کارخانجات سیمان، کارخانجات تولید روی، کارخانجات تولید آلومینیوم،واحدهای تصفیه دوم روغن و لجن های نفتی و ضایعات آنها که حاوی فلزات سنگین هستند،پالایشگاه های نفت لجن های حاصل از مخازن نفتکش ها و ... می باشند،الزام کلیه واحد های صنعتی نسبت به ایجاد سیستم کنترل آلودگی هوا بمنظور جلوگیری از آلودگی هوا در مناطق ملزم نمودن کلیه واحدهای صنعتی که دارای پساب اند مجهز به سیستم تصفیه خانه فاضلاب بطوریکه خروجی آنها مطابق استاندارد های زیست محیطی می باشد و ... را از جمله راهکارهای موثر این سازمان عنوان می کند .

مهندس "وفادار"در خصوص اقدامات این سازمان جهت دفع پسماندهای بیمارستانی می افزاید:تعیین جایگاه دفن پسماندهای پزشکی با همکاری سازمان بازیافت و مدیریت پسماندهای شهرداری بندرعباس بمنظور دفن اصولی پسماندهای پزشکی(عفونی وغیر عفونی)،عقد قرارداد کلیه مراکز درمانی با سازمان بازیافت و مدیریت پسماند شهرداری بندرعباس بمنظور جمع آوری و دفع اصولی پسماندهای پزشکی، جمع آوری پسماندهای پزشکی در بخش ها و نحوه حمل و نقل از بخش ها به محل نگهداری موقت و انتقال آنها به جایگاه دفن پسماندهای پزشکی در کلیه بیمارستان ها، خنثی سازی پسماندهای پزشکی توسط دستگاه هیدروکلاو که بعد از خنثی سازی آنها جهت دفع پسماندهای پزشکی جایگاه اختصاصی و تبدیل زباله سوزهای بیمارستانی به سیستم های تکنولوژی روز دنیا (هیدروکلاو) با توجه به قانون مدیریت پسماندهای ویژه از جمله این اقدامات بوده است .

مکث

غفلت از امنیت مقدس!

افغانستان و عراق در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟ "نا امنی" اولین موضوعی است که به ذهن می رسد. حال به نا امنی از زاویه ای دیگر بنگریم.

اگر در یکی از محلات و مناطق شهر بندرعباس آنقدر ناامنی باشد که هیچ کس جرات نکند در کوچه و خیابان های آن رفت و آمد کند؛ چه اتفاقی می افتد؟ حال برگردیم به ۳۱شهریور۱۳۵۹؛ آغاز دفاع مقدس و دفاع فرزندان ایران اسلامی خاک پاک میهن در مقابل عراقی که ده ها کشور از صدام حمایت می کردند برای سقوط انقلابی که کمتر از دو سال ازعمر آن می گذشت.تصور کنیم که اگر ده ها هزار نفرجان خود را برطبق اخلاص نمی گذاشتند؛ آیا اکنون می توانستیم با کمال آرامش زندگی کنیم ؟

هزاران نفر از شهرها و روستاها و جزایر دور و نزدیک برای دفاع از میهن و خاک ایران اسلامی عزم خود را جزم کردند و علی رغم مشکلات اوایل انقلاب و خیانت های برخی از مسئولان تراز اول مملکت،به جبهه های حق علیه باطل اعزام و شهید واسیر وجانباز شدند و حماسه های فراوان از جمله آزاد سازی خرمشهر و... آفریدند و آنقدر ایستادگی کرد تا اینکه بعد از هشت سال که اجازه ندادند حتی یک وجب از خاک کشور در تصرف دشمن باشد؛مجبور به عقب نشینی شدند.

حال یک سوال مهم !

آیا نباید یادوخاطره شهدا و بازماندگان دفاع مقدس را زنده نگهداریم و آثار دفاع مقدس را حفظ ونشر دهیم؟

هرمزگان حماسه سازانی چون سرداران شهید "رئیسی" و "دارا"، "فاطمه نیک" با دارا بودن نه شهید از محارم و... را تقدیم انقلاب نموده است؛ولی چه مقدار نسل سومی های ما با این شهدا و دیگر شهدا آشنا هستند؟همه مسئولان هم همواره به نقش هرمزگان،بندرعباس، خلیج فارس و جوانانش در دفاع از کیان انقلاب اسلامی اشاره و تاکید کرده اند؛ اما در عمل واقعا چه میزان تلاش شده است که به شبهات جنگ در استان پاسخ داده شده و اسطوره های دفاع مقدس را معرفی کنند.از بر زمین ماندن یادمان و موزه دفاع مقدس تا یادمان شهدای گمنام در ۲۱نقطه استان و نبودن کمترین آثار از دفاع مقدس در شهر و وجود نداشتن فضای شهری برای تبلیغات دفاع مقدس و ... نشانه کم توجهی به این حوزه در استان است که مصداق آن را دراختصاص نیافتن هیچگونه اعتباری به این بخش در هفته گذشته می بینیم.گرچه مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس هرمزگان اظهار امیدواری کرده است که از بودجه۱۷۵میلیارد تومانی بخش فرهنگی مصوب دور سوم هیئت دولت به استان،بخش قابل توجهی به فرهنگ سازی دفاع مقدس و اجرای طرح هایی که بدلیل عدم پشتیبانی مالی بر زمین مانده است اختصاص یابد؛ اما با روند فعلی آیا می توان انتظار تحقق چنین موضوعی را داشت ؟

البته جای تاسف داردکه مسئولان دولت مدعی توجه به ارزش ها در استان دنباله رو دولتی باشند که ارزش ها را لگدمال کرده بودند. نباید به هرمزگان و بندرعباس فقط به دیده اقتصادی نگریست و ارزش ها را فراموش نمود.

انتظار منطقی آن است با توجه به نیاز شدید به اقدام در حوزه فرهنگ سازی دفاع مقدس؛ استاندار هرمزگان دستور تشکیل کارگروه دفاع مقدس همانگونه که خواسته مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس بود را صادر نماید تا اینکه دفاع مقدس در هرمزگان از مهجوریت خارج شود.

■ علی زارعی

آبا بتن ساحل
Aba
تولید بتن آماده
با رعایت استانداردهای آئین نامه بتن ایران (آبا)
✓ عضو سازمان نظام مهندسی استان هرمزگان
✓ دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی از سازمان نظام مهندسی استان هرمزگان
مجهز به:
■ پمپ انتقال بتن خودرو(دکل)
■ پمپ انتقال بتن کششی (زمینی)
■ باسکول ۶۰تنی دیجیتال
■ آزمایشگاه کنترل کیفیت بتن و مصالح
دفتر مرکزی : بندرعباس ، بلوار امام خمینی ، نرسیده به میدان شهدا
تلفن و فاکس : ۲۲۴۱۶۴۶ - ۲۲۲۲۲۸۷ - ۰۷۶۱
صندوق پستی: ۱۳۵۹ - ۷۹۱۴۵
کارخانه : بندرعباس : شهرك صنعتی شماره ۲
تلفن: ۳۱ - ۲۳۶۴۰۳۰ - ۰۷۶۱
همراه : ۰۹۱۷۸۶۱۵۵۷۰